

## حکمرانی خصوصی، با تأکید بر مبانی فلسفی

مینا سادات هاشمی کاسوایی<sup>۱</sup>، افسانه دهقانپور فراشاه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران

minahashemi@ut.ac.ir

### چکیده

از دیرباز مفهوم حکومت، مورد توجه پژوهشگران بوده و در دیدگاه‌های جدید، حکمرانی مفهومی نوپا است که با مبانی خاص خود توانسته در تقابل حکومت، به جایگاه در خور توجهی برسد. حکمرانی خصوصی، گونه‌ای از انواع حکمرانی است که بر مفهوم بازار آزاد و دیدگاه‌های اقتصاد نئولیبرالیستی برخاسته از روابط بین‌الملل تأکید می‌کند. به این دلیل که بخش خصوصی، در بسیاری از موارد توانسته است عملکرد کاراتری از دولت داشته باشد، توانسته نوع مطلوبتری از اعمال قدرت کثرت‌گرایی را ایجاد نماید. گرچه حکمرانی خصوصی موجب کاهش مقررات سنتی و افزایش بازیگران غیردولتی شبکه‌ای شده که موجب تضعیف نقش دولت می‌شود، اما بر استانداردهای بین‌المللی، مشارکت خط مشی‌گذاری و جامعه مدنی تأکید می‌کند. در این پژوهش، ضمن توجه به سیر تطور مطالعات حکمرانی خصوصی، به بررسی مبانی فلسفی از دو دیدگاه ایده‌آل و انتقادی نسبت به حکمرانی خصوصی پرداخته و در نهایت رهنمودهایی به منظور عملی نمودن حکمرانی خصوصی ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: حکمرانی خصوصی، حکومت، نئولیبرالیسم، هژمونی، نئوگراشی

## مقدمه

تا کنون انواع گوناگونی از حکمرانی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. حکمرانی دولتی<sup>۱</sup> (فری و بنز<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵)، حکمرانی جهانی<sup>۳</sup> (دینگورث و پاتبرگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۶)، حکمرانی غیرانتفاعی<sup>۵</sup> (گو<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷)، حکمرانی شرکتی<sup>۷</sup> (کلیسنس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶)، فراحکمرانی<sup>۹</sup> (بیکر<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۵)، حکمرانی خصوصی<sup>۱۱</sup>، حکمرانی شرکتی<sup>۱۲</sup> (اسریواستاوا<sup>۱۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ بهاسا<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۴)، حکمرانی سرزمینی<sup>۱۵</sup> (گروور<sup>۱۶</sup> و گروور<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۲)، حکمرانی پروژه‌ای<sup>۱۸</sup> (مولر<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۱)، حکمرانی اینترنتی (سوترلند<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۴)، حکمرانی محیطی<sup>۲۱</sup> (مکاین‌تایر<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۸)، حکمرانی تکنولوژی اطلاعات (دووس<sup>۲۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۲)، حکمرانی مقرراتی<sup>۲۴</sup> (پورا<sup>۲۵</sup>، ۲۰۰۹)، حکمرانی مشارکتی<sup>۲۶</sup> (میکولسکی<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۵)، حکمرانی قرارداد<sup>۲۸</sup> (بای، شنگ و جوان‌لی<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۶)، حکمرانی شبکه‌ای<sup>۳۰</sup> (پالوموناوارو، ناویو-مارکو<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۸)، حکمرانی چندسطحی<sup>۳۲</sup> (هرمانسون<sup>۳۳</sup>، ۲۰۱۸)، حکمرانی خوب<sup>۳۴</sup> (اسپیتیری و بریگوگلیو<sup>۳۵</sup>، ۲۰۱۸)، حکمرانی همکارانه<sup>۳۶</sup> (بندل<sup>۳۷</sup> و همکاران، ۲۰۱۱)، خودحکمرانی<sup>۳۸</sup> (لیسن و سوارز<sup>۳۹</sup>، ۲۰۱۵)، انواع گوناگون این مفهوم را در بر می‌گیرند. در این پژوهش از میان گونه‌های متعدد حکمرانی، صرفاً به بررسی حکمرانی خصوصی پرداخته می‌شود.

حکمرانی خصوصی بعضی از مکانیزم‌های اصلی را که احزاب خصوصی برای ایجاد نظم اجتماعی استفاده می‌کنند را شرح می‌دهد و مشخص می‌کند که چگونه سازوکارهای بازارهای مدرن بدون آنها امکان‌پذیر نخواهند بود. حکمرانی خصوصی شکل‌های مختلفی دارد: استانداردهای حاکم بر طیف گسترده‌ای از مسائل مربوط به محیط زیست، کار، بهداشت و ایمنی محصول؛ قانون رفتار<sup>۴۰</sup> ایجاد شده توسط شرکت‌ها، انجمن‌های صنعتی و سازمان‌های غیردولتی<sup>۴۱</sup> تحت پرچم<sup>۴۲</sup> مسئولیت

<sup>۱</sup> Public governance<sup>۲</sup> Frey and Benz<sup>۳</sup> Global governance<sup>۴</sup> Dingwerth and Pattberg<sup>۵</sup> Nonprofit governance<sup>۶</sup> Guo<sup>۷</sup> Corporate governance<sup>۸</sup> Claessens<sup>۹</sup> Metagovernance<sup>۱۰</sup> Baker<sup>۱۱</sup> Private governance<sup>۱۲</sup> Corporate governance<sup>۱۳</sup> Srivastava<sup>۱۴</sup> Bhasa<sup>۱۵</sup> Land governance<sup>۱۶</sup> Grover<sup>۱۷</sup> Project governance<sup>۱۸</sup> Muller<sup>۱۹</sup> Sutherland<sup>۲۰</sup> environmental governance<sup>۲۱</sup> McIntyre<sup>۲۲</sup> Devos<sup>۲۳</sup> Regulatory governance<sup>۲۴</sup> Purra<sup>۲۵</sup> Participatory governance<sup>۲۶</sup> Mikulskienė<sup>۲۷</sup> Contract governance<sup>۲۸</sup> Bai, Sheng and Juan Li<sup>۲۹</sup> Network governance<sup>۳۰</sup> Palomo-Navarro, Navío-Marco<sup>۳۱</sup> Multilevel governance<sup>۳۲</sup> Hermanson<sup>۳۳</sup> Good governance<sup>۳۴</sup> Spiteri and Briguglio<sup>۳۵</sup> Collaborative governance<sup>۳۶</sup> Bendell<sup>۳۷</sup> Self-governance<sup>۳۸</sup> Leeson and Suarez<sup>۳۹</sup> code of conduct

اجتماعی شرکت<sup>۴۲</sup>؛ و گواهینامه هایی که به تقاضای مصرف کنندگان برای محصولات سبز و کسب و کار عادلانه تعلق می گیرد (وگل<sup>۴۳</sup>، ۲۰۱۰). براساس برآورد بانک جهانی، در حال حاضر بیش از یک هزار کدهای صنعتی وجود دارد که شکل های مختلف حکومت خصوصی را تشکیل می دهند که اکثر آنها استانداردهای کار و محیط زیست را در زمینه های کشاورزی، منابع طبیعی و صنایع ایجاد می کنند (اسمیت و فلدمن<sup>۴۴</sup>، ۲۰۰۳). این پژوهش به بررسی مفهوم حکمرانی خصوصی پرداخته شده و در تقابل با حکمرانی دولتی مورد مقایسه قرار خواهد گرفت.

## سیر تطور مطالعات حکمرانی خصوصی

به طور کلی حکمرانی خصوصی و سازوکارهای مربوط به آن، فراتر از دولت، به عنوان یک بحث مهم در محدوده تحقیقات جهانی مدیریت و روابط بین الملل<sup>۴۵</sup> در حال ظهور است. موج اول تحقیقات عمدتاً بر نقش جدید بازیگران غیردولتی در خط مشی گذاری و پیاده سازی بین المللی تاکید داشت. بازیگران غیر دولتی به سه دسته گسترده تقسیم می شوند: بازیگران غیر انتفاعی سودمحور عمومی<sup>۴۶</sup>، بازیگران شرکت های سودمحور<sup>۴۷</sup> و انجمن های آنها و سازمان های ذهنی درون حکومتی عمومی<sup>۴۸</sup>. از جمله بازیگران غیردولتی که توجه دانشمندان را به خود جلب می کنند مؤسسات جامعه مدنی<sup>۴۹</sup>، تجارت فراملیتی<sup>۵۰</sup>، شبکه های علمی جهانی و اخیراً سازمان های بین المللی و بوروکراسی های ذیربط بین المللی هستند.

موج دوم تحقیقات، درباره پدیده کلی مشارکت خط مشی<sup>۵۱</sup> است. گرچه ادبیات مشارکت خط مشی ریشه در سیاست های تطبیقی و بومی<sup>۵۲</sup> دارد اما در مطالعه روابط بین الملل نیز یافت می شوند. با این حال، توجه بیشتری بر مشارکت بین بازیگران دولتی و غیردولتی، مانند شرکت ها و سازمان های جامعه مدنی متمرکز است. این مشارکت های دولتی و خصوصی در سطح بین الملل، گاهی اوقات نیز به عنوان شبکه های سیاست عمومی جهانی<sup>۵۳</sup> نامیده می شوند که در تنظیم قوانین، اجرای قانون و ارائه خدمات، فعال هستند. با این وجود تحقیقاتی که به صراحت به مشارکت بازیگران خصوصی در دیدگاه نظری بینجامد، بسیار نادر است.

موج سوم تحقیقات به طور فزاینده ای مربوط به قوانین و هنجارهای خصوصی، با اشاره به سوالات هنجاری و تحلیلی می شود. اما علی رغم گسترش نسبی برنامه تحقیقاتی حکمرانی خصوصی از تمرکز اولیه بر بازیگران خصوصی به علاقه مندی نهادی از قوانین و مقررات خصوصی گرویده، و اکثر کارهای تجربی بر حکومت های فراملیتی در جهان<sup>۵۴</sup> OECD متمرکز شده است. آنچه در دست نیست، ارزیابی حکمرانی خصوصی در زمینه مطالعات روابط و توسعه است (پت برگ<sup>۵۵</sup>، ۲۰۰۶).

## دیدگاه های مطرح در حوزه حکمرانی خصوصی

در این مطالعه برای بررسی ابعاد تئوریک حکمرانی خصوصی دو رشته مکاتب اصلی نظریه روابط بین الملل بررسی شدند:

<sup>۴۰</sup> Non Governmental Organization (NGO)

<sup>۴۱</sup> under the banner

<sup>۴۲</sup> Corporate Social Responsibility

<sup>۴۳</sup> Vogel

<sup>۴۴</sup> Smith and Feldman

<sup>۴۵</sup> International relations

<sup>۴۶</sup> public interest-oriented non-profit actors

<sup>۴۷</sup> profit-oriented corporate actors

<sup>۴۸</sup> public intergovernmental organisations

<sup>۴۹</sup> civil society institutions

<sup>۵۰</sup> transnational businesses

<sup>۵۱</sup> policy partnership

<sup>۵۲</sup> domestic

<sup>۵۳</sup> global public policy networks

<sup>۵۴</sup> Organisation for Economic Co-operation and Development

<sup>۵۵</sup> Pattberg

- ۱- دیدگاه های ایده آل که با تأکید بر مکانیزم حکمرانی داوطلبانه<sup>۵۶</sup> طراحی شده اند؛
  - ۲- دیدگاه های انتقادی که با تأکید بر مکانیزم های قانونی و دولت محور<sup>۵۷</sup> طراحی شده اند.
- در این زمینه، مفهوم حکمرانی خصوصی به عنوان توزیع اقتدار<sup>۵۸</sup> سیاسی میان بازیگران دولتی و غیر دولتی تعریف می شود که حکمرانی خصوصی، حکمرانی علیه حکومت است (کارامان<sup>۵۹</sup>، ۲۰۰۳). با توجه به این تعریف بیان تفاوت میان حکومت و حکمرانی بسیار مهم است. حکمرانی می تواند به عنوان ساختارها و فرآیندهایی شناخته شود که بازیگران دولتی و غیردولتی را قادر می سازد تا نیازها و منافع متقابل خود را با ایجاد و اجرای خط مشی ها در غیاب اقتدار سیاسی متحد کننده، هماهنگ کنند. در مقابل آن، حکومت به عنوان ترتیبات و فرایندهای خط مشی گذاری تعریف می شود که متمرکز کردن اقتدار سیاسی درون دولت و عاملان<sup>۶۰</sup> آن است (کارامان، ۲۰۰۳).
- گونه های نظری مختلف اقتدار خصوصی روابط بین الملل، بین سیستم های حکمرانی بازار و دولت قرار دارد. نظریه روابط بین الملل<sup>۶۱</sup> تلاش می کند چارچوبی نظری را برای تجزیه و تحلیل روابط بین الملل ارائه کند. اوله هالستی<sup>۶۲</sup> نظریه های روابط بین الملل را با عینک آفتابی رنگی مقایسه می کند که به بیننده اجازه می دهد تنها ویژگی های برجسته رویدادهای بین المللی و تعاملات بین دولت های ملی که مرتبط با نظریه است را مشاهده کنند (رالستون<sup>۶۳</sup>، ۲۰۱۱).
- در این دو دیدگاه (دیدگاه ایده آل و انتقادی) درک شفاف تری از ارتباطات میان حکومت و تغییر نقش بازیگران خصوصی (بازیگران کسب و کار و سازمان های غیر دولتی<sup>۶۴</sup>) نادیده انگاشته شده است.
- با بررسی ادبیات حکمرانی خصوصی در روابط بین الملل مشاهده می شود که ادبیات موجود به درستی بر نقش مهم بازیگران غیر دولتی در حکمرانی خصوصی تأکید می کنند ولی بیش از اندازه بر خودمختاری<sup>۶۵</sup> بازیگران غیردولتی تأکید دارند و روابط قدرت را در تعاملات میان بازیگران نادیده می گیرند.
- رژیم ارزش<sup>۶۶</sup> که توسط دیوید لوی<sup>۶۷</sup> و همکارانش (لوی و همکاران، ۲۰۱۶؛ رایت<sup>۶۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۳) توسعه داده شده است، مسیر میان این دو رویکرد متفاوت را برای تنظیم رفتار شرکتی<sup>۶۹</sup> با توجه به مسائل محیط زیستی و کاری هموار کرده است.

<sup>۵۶</sup> Voluntary governance mechanism

<sup>۵۷</sup> state-based and legal mechanisms

<sup>۵۸</sup> authority.

<sup>۵۹</sup> Krahmann

<sup>۶۰</sup> agencies

<sup>۶۱</sup> International relations theory

<sup>۶۲</sup> Ole Holsti

<sup>۶۳</sup> Ralston

<sup>۶۴</sup> NGOs

<sup>۶۵</sup> autonomy

<sup>۶۶</sup> The value regime

<sup>۶۷</sup> Levy

<sup>۶۸</sup> Wright

<sup>۶۹</sup> corporate behavior

با تغییر از حکومت به حکمرانی، مفهوم هژمونی گرامشی<sup>۷۰</sup>، برای نشان دادن وابستگی روابط اقتصادی، سیاسی و گفت‌وگویی<sup>۷۱</sup> میان بازیگران متعدد مفید است (لوی و ایگان<sup>۷۲</sup>، ۲۰۰۳). بنابراین، بر اساس مفهوم هژمونی نوگراشین ها، رژیم ارزش می تواند رویکرد را از حالت تمرکز بر دولت به تمرکز بر بازیگران چندگانه تغییر دهد و دولت، کسب و کار و جامعه مدنی را متحد نماید (لوی و ایگان، ۲۰۰۳).

بنابراین، بر اساس مفهوم هژمونی نوگراشین ها، رژیم ارزش می تواند رویکرد را از حالت تمرکز بر دولت به تمرکز بر بازیگران چندگانه برای شناسایی تفاوت سازش ها و مخالفت های سیاسی انواع حکمرانی نهادی از طریق پیوند و درگیر کردن دولت، کسب و کار و جامعه مدنی و ایجاد اتحاد میان آنها تغییر دهد (لوی و ایگان، ۲۰۰۳). در ادامه به بیان اینکه چگونه حکمرانی (دیدگاه ایده آل) و حکومت (دیدگاه انتقادی) در حکمرانی خصوصی مفهوم پردازی شده اند می پردازیم.

### دیدگاه های ایده آل حکمرانی خصوصی

مفهوم نئولیبرالیسم مزیت قابل توجه دیدگاه های ایده آل درباره حکمرانی خصوصی است. نئولیبرالیسم با گذار از حکومت به حکمرانی همراه است. در حالیکه حکومت به قدرت و قوانین دولت اشاره دارد، حکمرانی به مکانیزم های تنظیمی غیردولتی اشاره دارد (فالکر<sup>۷۳</sup>، ۲۰۰۳؛ میدتون<sup>۷۴</sup>، ۲۰۰۵) به این ترتیب، اساس دیدگاه ایده آل حکمرانی خصوصی، تمرکز بر ایدئولوژی نئولیبرالیسم است که پیشنهاد می دهد مکانیزم های بازار و استانداردهای خصوصی، علاوه بر این که می توانند هماهنگی کارآمد و مؤثرتری را فراهم کنند، می توانند شفافیت سیاسی و پاسخگویی را نیز افزایش دهند. ظهور حکمرانی خصوصی، بدون شک جایگاه ایده های لیبرال خودتنظیمی را در مورد سیاست های محیطی تقویت کرده است (فالکر، ۲۰۰۳). نئولیبرالیسم به عنوان یک ایدئولوژی سیاسی و یک برنامه اصلاحات در مقیاس بزرگ است که بخش خصوصی را در وضعیت فقدان کارایی بخش دولتی، کارا محسوب می کند. از آنجا که مکانیزم ها و گونه های حکومت خصوصی، غیر از مسائل کارکردی نظارت بر بازار و عدالت اجتماعی است، بنابراین نئولیبرالیسم بر لزوم حضور دولت در عرصه های قانونگذاری، نظامی، دفاعی و ثبات پولی تاکید می کند (گراز و نولکه<sup>۷۵</sup>، ۲۰۰۷). حکمرانی خصوصی فراملیتی برای مشروعیت بخشیدن به نئولیبرالیسم، می تواند از طریق تنظیم و اجرای استانداردهای رفتار، بر بالا بردن سطح اقتصاد نئولیبرالیستی تمرکز کند. سازمان های رتبه بندی استاندارد، رفتار شرکت کنندگان در بازار را محدود می کنند (گراز، ۲۰۰۶) بنابراین نیاز به دولت کمتر احساس می شود. علاوه بر دیدگاه مثبت گرایانه به نئولیبرالیسم، استدلال های انتقادی در زمینه های تجربی نئولیبرالیسم باقی می ماند. از دیدگاه ماتریالیسم تاریخی، تحولات بر خلاف افزایش سرمایه داری نئولیبرالی، دیالکتیک تاریخ را منعکس می کنند. پولانی

<sup>۷۰</sup> هژمونی به معنی تسلط و برتری است و برای توصیف نفوذ و تسلط یک گروه اجتماعی بر گروهی دیگر به کار می رود به گونه ای که گروه حاکم با رضایت گروه تحت سلطه، بر آنها مسلط شده است. این واژه به زعم آنتونیو گرامشی به معنی تسلط و برتری همه جانبه سیاسی و اجتماعی و ایدئولوژیکی است. هژمونی بیانگر این است که بورژوازی به خاطر اینکه ایدئولوژی اش در جامعه هژمونی دارد می تواند سلطه خود را بر جامعه اعمال کند و نیازی ندارد که جز در مواقع بحران به زور متوسل شود. رهبری فرهنگی بورژوازی در جامعه مدنی موجب کنترل سیاسی او را بر جامعه می شود. گرامشی معتقد بود برای برقراری یک انقلاب اجتماعی، توده ها باید دست به عمل بزنند ولی آنها به خودآگاهی نیاز دارند. پرولتاریا نمی تواند به خودی خود، به خودآگاهی دست یابد و به یاری نخبگان اجتماعی نیاز دارد، به عبارت دیگر عقاید را ابتدا روشنفکران می پروراند، سپس به توده ها بسط می دهند و به وسیله توده ها آنها را عملی می سازند. گرامشی به عقاید جمعی توجه داشت نه اقتصاد. وی برای پاسخ به این سؤالات که چرا انقلاب سوسیالیستی در اروپا گسترش نیافته و پرولتاریا به آگاهی طبقاتی دست نیافته است به مفهوم هژمونی رسید (پولادی، ۱۳۸۳).

<sup>۷۱</sup> discursive

<sup>۷۲</sup> Levy & Egan

<sup>۷۳</sup> Falkner

<sup>۷۴</sup> Midttun

<sup>۷۵</sup> Graz and Nölke

(۱۹۸۳) به این «جنبش دوگانه» اشاره می کند که در آن جامعه به طور ناخواسته به دنبال محافظت از خود در برابر حرکت بازار است تا کالاها را افزایش دهد (گراز و نولکه<sup>۷۶</sup>، ۲۰۰۷) به بیان دیگر افراد در مقابل نظام سرمایه داری نئولیبرالیستی که مبتنی بر بازار آزاد است مقاومت می کنند تا بتوانند خود را از تحولات بازار کنار کشند و به سیطره دولت احساس نیاز می کنند و بدین ترتیب بر مبنای دیالکتیک تاریخی این دوگانگی در نئولیبرالیسم قابل پی گیری است.

حکمرانی در تقابل با حکومت، شکل های اجباری تنظیمات و ابزارهای غیرمستقیم و داوطلبانه را به کار می گیرد. حکمرانی خصوصی تغییر قدرت از مدل دولت-مرکزی<sup>۷۷</sup> به گونه های جدید اقتدار مبتنی بر بازیگران خصوصی را پیشنهاد می دهد (استرنج<sup>۷۸</sup>، ۱۹۹۶). پژوهشگران معتقدند با توجه به پیامدهای جهانی شدن و چالش های تسلط سنتی نظریه نظام دولت-مرکزی در مطالعه روابط بین الملل، قدرت دولت ها کاهش یافته و فعالیت های آنها در داخل مرزهایشان ضعیف شده است. در دهه ۱۹۷۰، سوزان استرنج<sup>۷۹</sup>، مطالعه نقش بازیگران غیر دولتی به عنوان حکمران جهانی مستقل در روابط بین الملل آغاز کرد (استرنج<sup>۸۰</sup>، ۱۹۷۶). وی بیان می کند که مقامات<sup>۸۱</sup> غیر دولتی مبتنی بر بازار، اهمیت زیادی کسب کرده اند؛ چون دولت حتی زمانیکه بازار آزاد قادر به ارائه کالا و خدمات خاصی همانند امنیت، ثبات پولی نیست در اجرای قانون و تصدی گری اثربخشی خود را از دست داده است (استرنج<sup>۸۲</sup>، ۱۹۷۶). کانگ<sup>۸۳</sup> (۲۰۱۸) علت کاهش اثربخشی دولت را سرعت رو به رشد تغییرات تکنولوژیکی، افزایش هزینه های مرتبط با آن و روندهایی می داند که در حال تضعیف دولت در مقایسه با مقامات خصوصی غیر دولتی هستند.

هنگامی که اقتدار دولت در این عرصه ها کاهش می یابد، شکل های دیگری از حکمرانی جایگزین دولت ناتوان یا دولت بی رغبت می شوند (کلپ<sup>۸۴</sup>، ۱۹۹۸). روزنا<sup>۸۵</sup> (۱۹۹۷) نیز در کتاب خود به شکل مشابهی به نقش بازیگران غیردولتی تأکید کرده است با اشاره به این نکته که در حال حاضر "حکمرانی بدون حکومت" در بسیاری از نواحی وجود دارد. وی دو دسته مکانیسم سیاسی معرفی می کند مکانیسم اول "دولت-مرکزی"<sup>۸۶</sup> که شامل "دولت های وابسته به حکومت" و دیگری "چند مرکزی"<sup>۸۷</sup> متشکل از بازیگران "رها از حکومت" است. وی دولت را تنها به عنوان یکی از منابع قدرت می پذیرد و بازیگران غیردولتی را به عنوان منبع قدرت می داند (روزنا، ۱۹۹۷). نویسندگان دیدگاه ایده آل، مفهوم نظریه های هابرماس را برای توضیح از دست رفتن مشروعیت دولت های ملی و افزایش مشروعیت حکمرانی خصوصی با اشاره به تضعیف کنترل دموکراتیک و رشد کثرت گرایی ارزش اتخاذ می کنند (پالازو و شرر<sup>۸۸</sup>، ۲۰۰۸؛ هان و وایتمن<sup>۸۹</sup>، ۲۰۱۶). رویکرد هابرماسی، مشروعیت استانداردهای خصوصی را با توجه به سطح توافق آنها با وضعیت گفتاری ایده آل که توسط کنش ارتباطی<sup>۹۰</sup> تعریف شده

<sup>۷۶</sup> Graz and Nölke

<sup>۷۷</sup> state-centric regime theory

<sup>۷۸</sup> Strange

<sup>۷۹</sup> Susan Strange

<sup>۸۰</sup> Strange

<sup>۸۱</sup> authorities

<sup>۸۲</sup> Strange

<sup>۸۳</sup> Kang

<sup>۸۴</sup> Clapp

<sup>۸۵</sup> Rosenau

<sup>۸۶</sup> state-centric

<sup>۸۷</sup> multi-centric

<sup>۸۸</sup> Palazzo & Scherer

<sup>۸۹</sup> Hahn & Weidtmann

<sup>۹۰</sup> رابطه انسان ها با یکدیگر، متفاوت از رابطه انسان با طبیعت است. انسان ها موجوداتی اجتماعی هستند که با هم تعامل دارند و در این تعامل نیازمند درک یکدیگر هستند. این کار با استفاده از زبان به عنوان عامل ارتباط صورت می گیرد. کنش ارتباطی، تعامل انسانی بر پایه زبان است. هابرماس کنش را بر اساس نوع علاقه و حوزه عمل به دو دسته تقسیم نمود یکی کنش ابزاری که کنشی است برای رسیدن به یک هدف. در این کنش یک طرف کنشگر و طرف دیگر هدف است. این کنش مربوط به رابطه انسان با طبیعت است. نوع دوم کنش ارتباطی است که به تعامل بین دو یا چند کنشگر که می توانند از زبان بهره گیرند مربوط می شود و مربوط به رابطه بین انسان هاست که می کوشند برای رسیدن به یک هدف مشترک به تفاهم برسند. کنش

ارزیابی می‌کند. در این زمینه، هدف مشارکت کنندگان از معنای آنچه که گفته می‌شود، نه از طریق ترجیحات ثابت یا نابرابری قدرت میان آنها گرفته می‌شود (هابرماس<sup>۹۱</sup>، ۱۹۸۴). بر این اساس، شکل‌های ایده آل ساختار حکمرانی، ابتکارات ذی نفعان چندگانه (MSIs<sup>۹۲</sup>) است که همکاری میان ذینفعان مختلف را ایجاد می‌کند تا کارکرد حکمرانی جهانی در مقابله با مشکلات مشترک را داشته باشد (ابوت<sup>۹۳</sup>، ۲۰۱۲؛ بوستروم<sup>۹۴</sup>، ۲۰۰۶؛ دینگورس<sup>۹۵</sup>، ۲۰۰۷؛ گولبرندسن<sup>۹۶</sup>، ۲۰۰۸). MSI با پراکندگی افقی قدرت، تصمیم‌گیری در میان تعداد زیادی از بازیگران سطوح مختلف مشخص می‌شود. کاربرد این تقسیم افقی قدرت، غیر متمرکز، داوطلبانه و خودکار<sup>۹۷</sup> توصیف می‌شود. طرفداران این دیدگاه استدلال می‌کنند که به این طریق، شرکت‌ها یا سازمان‌های غیردولتی به صورت دموکراتیک پاسخگو خواهند بود و در نهایت می‌توانند جایگزین دولت شوند (مورفی و یاتس<sup>۹۸</sup>، ۲۰۰۹؛ مورفی و یاتس، ۲۰۱۰؛ یاتس و مورفی، ۲۰۱۵؛ مورفی، ۲۰۱۵). افزایش حکمرانی خصوصی با کاهش قدرت دولت مرتبط است و دلایل شکست دولت، اشتراکات جهانی است. در این دیدگاه، حکمرانی خصوصی ایده آل از ظرفیت بازیگری غیردولتی به عنوان یک تنظیم‌کننده استفاده می‌کند و تغییر مدل سنتی دولت-مرکز به مکانیزم حکمرانی مبتنی بر بازار را پشتیبانی می‌کند (کارامان، ۲۰۰۳). این مکانیزم، با ایجاد مشوق‌های اقتصادی برای کسب و کار، می‌تواند به‌طور داوطلبانه کالاهای عمومی مانند محیط‌تمیز<sup>۹۹</sup> را فراهم کند. اصطلاح گواهینامه<sup>۱۰۰</sup> به‌طور عمده از کار بوت و ماتی<sup>۱۰۱</sup> (۲۰۱۱) و کاشور و همکاران (۲۰۰۴)<sup>۱۰۲</sup> مشتق شده است و به طرح‌های گواهینامه داوطلبانه (اغلب به عنوان یک برنامه داوطلبانه) اشاره دارد. با رشد روزافزون جهانی شدن و وابستگی‌های متقابل کشورها، نیاز رو به رشد پژوهش در مورد رویکردهای همکارانه، به عنوان همکاری ذینفعان متفاوت احساس می‌شود و در حکمرانی جهانی کاربرد دارد (کانگ، ۲۰۱۸: ۵۸).

## دیدگاه‌های انتقادی حکمرانی خصوصی

ادبیات انتقادی حکمرانی خصوصی استدلال می‌کند که کاهش مقررات سنتی و افزایش بازیگران غیردولتی شبکه‌ای موجب تضعیف نقش دولت در حکومت جهانی شده است. تئوری رویکرد انتقادی، استان‌ها و ایالت‌ها را به عنوان بازیگران اصلی در سیاست جهانی معرفی می‌کند که معمولاً در مقررات ادبیات بین‌المللی یافت می‌شوند و در شاخه‌های اصلی نظریه روابط بین‌الملل مانند سازه‌گرایی اجتماعی<sup>۱۰۳</sup> یافت می‌شوند (کائو و وارد<sup>۱۰۴</sup>، ۲۰۱۶؛ لوی<sup>۱۰۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۵؛ یونگ<sup>۱۰۶</sup>، ۲۰۰۱).

ارتباطی منطق از عقلانیت خاصی پیروی می‌کند که هابرماس آن را عقلانیت ارتباطی (فرهنگی) می‌نامد. فرآیند عقلانیت ارتباطی یا فرهنگی، برخلاف عقلانیت ابزاری یا ساختاری، فرآیندی رهایی بخش است (پولادی، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۶).

<sup>۹۱</sup> Habermas  
<sup>۹۲</sup> multi-stakeholder initiatives

<sup>۹۳</sup> Abbott

<sup>۹۴</sup> Boström

<sup>۹۵</sup> Dingwerth

<sup>۹۶</sup> Gulbrandsen

<sup>۹۷</sup> self-enforced

<sup>۹۸</sup> Murphy & Yates

<sup>۹۹</sup> clean environment

<sup>۱۰۰</sup> certification

<sup>۱۰۱</sup> Bütte & Mattli

<sup>۱۰۲</sup> Cashore et al.

<sup>۱۰۳</sup> social constructivism

<sup>۱۰۴</sup> Cao and Ward

<sup>۱۰۵</sup> Levy

<sup>۱۰۶</sup> Young

اگر چه برخی از تفاوت‌ها در نحوه برخورد با مکاتب مختلف در خصوص مجوزهای خصوصی وجود دارد، اما آنها فهم مشترکی دارند که عقب نشینی دولت لزوماً نشان دهنده کاهش نقش ملی نخواهد بود. بخش عمده‌ای از ادبیات مربوط به حکمرانی خصوصی در حقوق بین‌الملل با توجه به این که آیا استانداردهای خصوصی جایگزین قوانین دولتی شده یا نه مطرح شده‌اند (موری<sup>۱۰۷</sup>، ۱۹۹۹؛ استنزل<sup>۱۰۸</sup>، ۲۰۰۰). توافق عمومی این است که حکمرانی خصوصی، دولت را جایگزین نمی‌کند و دولت را به عنوان یک مفهوم ایده‌آل می‌شناسند که معمولاً با تمرکز قدرت سیاسی در داخل کشور ارتباط دارد.

کار ساخت‌گرایی اجتماعی عمدتاً مربوط به اهمیت روابط گسترده‌تر قدرت و ابعاد سیاسی حکومت است (کوا و وارد، ۲۰۱۶؛ هافلر<sup>۱۰۹</sup>، ۲۰۰۶؛ لوی و همکاران، ۲۰۰۶؛ یونگ، ۲۰۰۱). پژوهشگران ساخت‌گرای انتقادی از درگیر شدن بازیگران خصوصی در فرایندهای حکومتی انتقاد می‌کنند؛ زیرا همکاری‌ها به برخی از گروه‌هایی که دسترسی خاص به موضوعات و گفت‌وگوها دارند منجر شده است (هافلر، ۲۰۰۶) که نتیجتاً یک رابطه قدرت نابرابر در میان بازیگران ایجاد می‌شود که در نهایت عملیات‌ها از طریق فرایندهای مشورتی و مشارکتی به سطح شهروندان نمی‌رسند (کائو و وارد، ۲۰۱۶). با این حال، زمانی که یک کشور در راستای مدیریت فراملیتی اقدام می‌کند، دولت و شهروندان اطلاعات نسبتاً کمی دریافت می‌کنند که منجر به پیامد منفی می‌شود (کائو و وارد، ۲۰۱۶). به طور عملی، حکومت و حکمرانی با اختلاف در فرآیند تصمیم‌گیری تعریف می‌شوند. محققان انتقادی مفهوم دموکراسی مشورتی را در حاکمیت خصوصی جستجو کرده‌اند (ایده‌مودیا<sup>۱۱۰</sup>، ۲۰۱۱؛ ریدر<sup>۱۱۱</sup>، ۱۹۹۶؛ یونگ، ۲۰۰۱). جالب توجه است که سطح بالایی از مشارکت عمومی ممکن است نتایج مثبتی نداشته باشد، زیرا مجموعه گسترده و متنوع شرکت‌کنندگان ممکن است مشکلی در حفظ مشروعیت ایجاد کنند. از این دیدگاه، محققان، دولت را به عنوان یک مفهوم ایده‌آل با ساختارهای سیاسی که منابع سیاسی را برای توسعه خط‌مشی‌های عمومی کنترل می‌کنند، شناسایی می‌کند (برلینر و پراکاش<sup>۱۱۲</sup>، ۲۰۱۳؛ موری، ۱۹۹۹؛ استنزل، ۲۰۰۰). بنابراین، اجرای سیاست به طور معمول تمایل دارد تا متمرکز، معتبر و در صورت لزوم، اجباری باشد. علاوه بر این، محققان ادعا می‌کنند که حکومت خصوصی نه تنها پارادایم غالب لیبرال را در ساختار ایده‌آلی که در دستور کار حکومت جهانی قرار دارد، تقویت می‌کند، بلکه یک مدل خودارزیابی جهانی را که منافع مؤسسات قدرتمند را به نفع خود جلب می‌کند، ترویج می‌دهد. به طور خلاصه، استفاده از حکومت و حکمرانی به عنوان قطب‌های ایده‌آل معمول در انتهای یک طیف که از تمرکز<sup>۱۱۳</sup> تا تقسیم‌بندی<sup>۱۱۴</sup> محدود می‌شود برای تجزیه و تحلیل تحول قدرت سیاسی بکار می‌گیرد. همانطور که بسیاری از ادبیات در خصوص حکمرانی خصوصی معاصر، بر دوگانگی شدید میان حکومت و حکمرانی تأکید کرده‌اند، اکثر دانشمندان، حکمرانی را با کاهش توانایی و اثربخشی دولت مرکزی مرتبط می‌دانند. بنابراین روند حکمرانی خصوصی به طور مستقیم با انتقال قدرت و اقتدار از سوی مردم به بخش خصوصی ارتباط دارد. این ادبیات نشان می‌دهد که استانداردهای خصوصی، شکل جدیدی از حکمرانی خصوصی است که به عنوان همسایگی با اقتدار دولت عمل می‌کند. با این حال، در بسیاری از موارد، دقیقاً مشخص نیست که حکومت، اختیارش را خودش به دست آورده یا از سیستم‌های حکمرانی دیگر گرفته است. بنابراین پاسخ به این سوال دشوار است که آیا نقش دولت کاهش یافته است یا نه. صاحب‌نظران ادعا می‌کنند که در بیشتر کشورهای نئولیبرال، دولت در ایجاد چارچوب سازمانی برای بازار نئولیبرالی برای حفظ انسجام اجتماعی، با تضمین عملکرد مناسب بازارها از طریق ایجاد نیروهای نظامی، دفاع، پلیس، و ساختارهای قانونی اقدامات خود را به انجام می‌رساند. اگرچه نئولیبرالیسم یک قدرت تفکیک‌کننده ایده‌آل قوی برای ایجاد مقامات نظارتی خصوصی نظیر شرکت‌های حسابرسی، انجمن‌های تجاری بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی را فراهم می‌کند، این امر نباید صرفاً متعادل‌کننده افزایش نئولیبرالیسم باشد. به عبارت دیگر، این بدان معنا نیست که نئولیبرالیسم دولت را تضعیف می‌کند.

<sup>۱۰۷</sup> Murray<sup>۱۰۸</sup> Stenzel<sup>۱۰۹</sup> Haufler<sup>۱۱۰</sup> Idemudia<sup>۱۱۱</sup> Reeder<sup>۱۱۲</sup> Berliner and Prakash<sup>۱۱۳</sup> centralization<sup>۱۱۴</sup> fragmentation



بنابراین، کاهش حضور دولت ممکن است به موازات افزایش بازیگران غیردولتی صورت نگیرد؛ به بیان دیگر حکمرانی خصوصی لزوماً منجر به برکناری مقامات ملی نمی‌شود. در جدول زیر، دو دیدگاه ایده‌آل و انتقادی، براساس معیارهای مختلف هنجار، تئوری‌های مطرح، نقش حکومت و ساختار حکمرانی در قالب یک چارچوب ترسیم شده است.

جدول ۱- حکمرانی خصوصی در روابط بین‌الملل (کانگ، ۲۰۱۸)

موضوع	رویکرد خوش‌بینانه (حکمرانی)	رویکرد انتقادی (حکومت)	رویکرد سیاسی (حکمرانی و حکومت)
هنجار	نئولیبرال	نابرابری قدرت، امپریالیسم	هژمونی، بلوک تاریخی <sup>۱۱۵</sup>
تئوری‌ها	دموکراسی مشورتی	مارکسیست، گرامشی	نئوگرامشی / تئوری رژیم ارزش <sup>۱۱۶</sup>
نقش حکومت	حداقل	حداکثر	ترکیبی
ساختار حکمرانی	افقی / رویکرد شبکه‌ای	رویکرد بالا به پایین	ترکیبی

### حکمرانی خصوصی در عمل

پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ابتدایی‌ترین ابزار برای پیاده‌سازی حکمرانی خصوصی، بهره‌گیری از انواع استانداردهای ایزو می‌باشد استانداردهای ایزو به دو دسته عمومی و اختصاصی تقسیم می‌شوند. استاندارد هایی مانند ISO ۹۰۰۱ که مربوط به مدیریت کیفیت و ISO ۱۴۰۰۱ که مربوط به محیط زیست است جزء استانداردهای عمومی ایزو هستند و استانداردهای اختصاصی ایزو بسته به نوع صنعت به گونه‌های بسیار زیادی وجود دارند که از این طریق سازمان بین‌المللی استاندارد امکان نظارت بر کیفیت را فراهم می‌سازد. از آنجا که استانداردهای ایزو نمی‌توانند مبنای قابل قبولی برای مشارکت سازمان مربوطه در حکمرانی خصوصی باشند، بنابراین نیازمند ابزارهای قوی تری مانند گواهینامه‌ها و رتبه‌بندی‌ها و جوایز ملی و بین‌المللی می‌باشیم. به عنوان مثال می‌توان سازمان مدیریت صنعتی را که به ارزیابی تعالی سازمانی می‌پردازد نام برد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

حکمرانی خصوصی به دنبال اعطای اقتدار و توانایی اعمال قدرت به سازمان‌های خصوصی است که در نتایج بهتری در عملکردشان نسبت به بخش دولتی نشان داده‌اند. البته حکمرانی خصوصی به دلیل تبعیت از نئولیبرالیسم به طور کامل مخالف وجود دولت نیست، بلکه دولت را به حاکمیت سوق می‌دهد و تصدی‌گری را بر بخش خصوصی محول می‌سازد. به منظور ایجاد چنین حکمرانی لازم است تا از حکومت فاصله گرفت و تا حد ممکن به سمت حکمرانی و پیروی از قوانین جهانی و روابط بین‌الملل حرکت کرد. ایجاد سازوکارهای استاندارد و تعریف و شاخص‌یابی آنها و معرفی جوایز مختلف کیفیت، مدل‌های تعالی سازمان، استانداردهای ایزو، و هر آنچه که نشان‌دهنده نوعی رتبه‌بندی بین سازمان‌ها است، می‌تواند گامی موثر در این راستا باشد.

مفهوم حکمرانی خصوصی در ایران تا کنون آنچنان که شایسته آن است مطرح نشده است و از این مهم مغفول شده است. بنابراین به پژوهشگران آینده پیشنهاد می‌شود که مبانی حکمرانی خصوصی را بیش از قبل مورد مذاقه قرار دهند و ابعاد، مدل‌ها و چارچوب‌هایی برای این امر و همچنین اقدامات لازم برای بومی‌سازی آن جستجو کنند.

<sup>۱۱۵</sup> history bloc<sup>۱۱۶</sup> value regime theory

## منابع

۱. پولادی، کمال. ۱۳۸۳. تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، تهران: نشر مرکز.
۲. Abbott, K. W. (۲۰۱۲). Engaging the public and the private in global sustainability governance. *International Affairs*, ۸۸(۳), ۵۴۳-۵۶۴.
۳. Bai, X., Sheng, S., & Li, J. J. (۲۰۱۶). Contract governance and buyer-supplier conflict: The moderating role of institutions. *Journal of Operations Management*, ۴۱, ۱۲-۲۴.
۴. Baker, K. (۲۰۱۵). Metagovernance, risk and nuclear power in Britain. In *Multi-level governance: The missing linkages* (pp. ۲۴۷-۲۶۹). Emerald Group Publishing Limited.
۵. Berliner, D., & Prakash, A. (۲۰۱۳). Signaling environmental Stewardship in the shadow of weak governance: the global diffusion of ISO ۱۴۰۰۱. *Law & Society Review*, ۴۷(۲), ۳۴۵-۳۷۳.
۶. Praveen Bhasa, M. (۲۰۰۴). Global corporate governance: debates and challenges. *Corporate Governance: The international journal of business in society*, ۴(۲), ۵-۱۷.
۷. Boström, M. (۲۰۰۶). Regulatory credibility and authority through inclusiveness: Standardization organizations in cases of eco-labelling. *Organization*, ۱۳(۳), ۳۴۵-۳۶۷.
۸. Büthe, T., & Mattli, W. (۲۰۱۱). The new global rulers: The privatization of regulation in the world economy. Princeton University Press
۹. Cao, X., & Ward, H. (۲۰۱۶). Transnational Climate Governance Networks and Domestic ,Regulatory Action. *International Interactions*, ۱-۲۷.
۱۰. Cashore, B. W., Auld, G., & Newsom, D. (۲۰۰۴). Governing through markets: Forest certification and the emergence of non-state authority. Yale University Press.
۱۱. Claessens Stijn, (۲۰۰۶), "Corporate Governance and Development", The World Bank Research Observer, ۲۱ (۱), ۹۱-۱۲۲.
۱۲. Clapp, J. (۱۹۹۸). The privatization of global environmental governance: ISO ۱۴۰۰۰ and the developing world. *Global Governance*, ۴(۳), ۲۹۵-۳۱۶.
۱۳. Devos, J., Van Landeghem, H., & Deschoolmeester, D. (۲۰۱۲). Rethinking IT governance for SMEs. *Industrial Management & Data Systems*, ۱۱۲(۲), ۲۰۶-۲۲۳.
۱۴. Dingwerth Klaus, Philipp Pattberg, (۲۰۰۶), "Global Governance as a Perspective on World Politics Global Governance", Vol. ۱۲, No. ۲, pp. ۱۸۵-۲۰۳.
۱۵. Dingwerth, K. (۲۰۰۷). *The new transnationalism: Transnational governance and democratic legitimacy*. Springer.
۱۶. Falkner, R. (۲۰۰۳). Private environmental governance and international relations: exploring the links. *Global Environmental Politics*, ۳(۲), ۷۲-۸۷.
۱۷. Frey Bruno S., Matthias Benz, (۲۰۰۵), "Can Private Learn from Public Governance?", The Economic Journal, ۱۱۵(۵۰۷), F۳۷۷-F۳۹۶.
۱۸. Graz Jean-Christophe, Andreas Nölke, (۲۰۰۷), The Limits of Transnational Private Governance, EAEPE Conference, ۱-۳ November, Porto, Portugal.
۱۹. Graz, Jean-Christophe (۲۰۰۶) 'Hybrids and Regulation in the Global Political Economy', *Competition and Change* ۱۰(۲): ۲۳۰-۲۴۵.
۲۰. Grover, R., & Grover, C. (۲۰۱۲). Valuation and land governance. *Journal of Property Investment & Finance*, ۳۰(۱), ۸۸-۹۸.
۲۱. Gulbrandsen, L. H. (۲۰۰۸). The role of science in environmental governance: Competing knowledge producers in Swedish and Norwegian forestry. *Global Environmental Politics*, ۸(۲), ۹۹-۱۲۲.
۲۲. Hahn, R., & Weidtmann, C. (۲۰۱۶). Transnational governance, deliberative democracy, and the legitimacy of ISO ۲۶۰۰۰: Analyzing the case of a global multistakeholder process. *Business & Society*, ۵۵(۱), ۹۰-۱۲۹.

۲۳. Haufler, V. (۲۰۰۶). Global governance and the private sector. *Global Corporate Power*, ۱۵, ۸۵-۱۰۳.
۲۴. Hermanson, A. S. (۲۰۱۸). Energy security in a multi-level governance perspective. *Marine Policy*.
۲۵. Idemudia, U. (۲۰۱۱). Corporate social responsibility and developing countries: Moving the critical CSR research agenda in Africa forward. *Progress in Development Studies*, ۱۱(۱), ۱-۱۸.
۲۶. Bendell, J., Miller, A., & Wortmann, K. (۲۰۱۱). Public policies for scaling corporate responsibility standards: expanding collaborative governance for sustainable development. *Sustainability Accounting, Management and Policy Journal*, ۲(۲), ۲۶۳-۲۹۳.
۲۷. Kang, J. (۲۰۱۸). The Emergence of Private Governance in a Nonwestern Context: The Case of South Korea.
۲۸. Krahmann, E. (۲۰۰۳). National, regional, and global governance: one phenomenon or many? *Global Governance*, ۹(۳), ۳۲۳-۳۴۶.
۲۹. Leeson, P. T., & Suarez, P. A. (۲۰۱۵). Superstition and self-governance. In *New Thinking in Austrian Political Economy*(pp. ۴۷-۶۶). Emerald Group Publishing Limited.
۳۰. Levy, D. L., & Egan, D. (۲۰۰۳). A Neo-Gramscian Approach to Corporate Political Strategy: Conflict and Accommodation in the Climate Change Negotiations. *Journal of Management Studies*, ۴۰(۴), ۸۰۳-۸۲۹.
۳۱. Levy, D., Reinecke, J., & Manning, S. (۲۰۱۵). The political dynamics of sustainable coffee: Contested value regimes and the transformation of sustainability. *Journal of Management Studies*
۳۲. McIntyre, O. (۲۰۱۸). Transnational environmental regulation and the normativisation of global environmental governance standards: The promise of order from chaos?. *Journal of Property, Planning and Environmental Law*, ۱۰(۲), ۹۲-۱۱۲.
۳۳. Muller R.( ۲۰۱۱) "Project Governance",Strategic Direction, ۲۷ (۲).
۳۴. Murphy, C. N. (۲۰۱۵). Voluntary Standard Setting: Drivers and Consequences. *Ethics & International Affairs*, ۲۹(۴), ۴۴۳-۴۵۴.
۳۵. Murphy, C. N., & Yates, J. (۲۰۰۹). *The International Organization for Standardization (ISO): global governance through voluntary consensus*. Routledge.
۳۶. Murphy, C. N., & Yates, J. (۲۰۱۰). ۱۰ ISO and the success of regulation through voluntary consensus ۱. *Business and Global Governance*, ۲۰۰.
۳۷. Murray, P. C. (۱۹۹۹). Inching toward environmental regulatory reform—ISO ۱۴۰۰۰: Much ado about nothing or a reinvention tool? *American Business Law Journal*, ۳۷(۱), ۳۵-۷۲.
۳۸. Palazzo, G., & Scherer, a. G. (۲۰۰۸). Corporate Social Responsibility, Democracy, and the Politicization of the Corporation. *Academy of Management Review*, ۳۲(۳), ۷۷۳- ۷۷۵.
۳۹. Palazzo, G., & Scherer, A. G. (۲۰۰۸). THE FUTURE OF GLOBAL CORPORATE CITIZENSHIP : TOWARDS A NEW THEORY OF THE FIRM AS A POLITICAL ACTOR, ۵۷۷-۵۹۰.
۴۰. Palomo-Navarro, Á., & Navío-Marco, J. (۲۰۱۸). Smart city networks' governance: The Spanish smart city network case study. *Telecommunications Policy*.۴۲ (۱۰), ۸۷۲-۸۸۰.
۴۱. Pattberg, P. (۲۰۰۶). Private governance and the South: lessons from global forest politics. *Third World Quarterly*, ۲۷(۴), ۵۷۹-۵۹۳.
۴۲. Pattberg, P. (۲۰۰۶). Private governance and the South: lessons from global forest politics. *Third World Quarterly*, ۲۷(۴), ۵۷۹-۵۹۳
۴۳. Purra, M. (۲۰۰۹). Transnational regulatory governance and global electronic commerce. *info*, ۱۱(۱), ۱۹-۳۳.
۴۴. Reeder, H. M. (۱۹۹۶). A critical look at gender difference in communication research. *Communication Studies*, ۴۷(۴), ۳۱۸-۳۳۰.

۴۵. Rosenau, J. N. (۱۹۹۷). *Along the domestic-foreign frontier: Exploring governance in a turbulent world* (Vol. ۵۳). Cambridge University Press.
۴۶. Smith, G., & Feldman, D. (۲۰۰۳). Company codes of conduct and international standards: An analytical comparison. World Bank.
۴۷. Spiteri, J., & Briguglio, M. (۲۰۱۸). Does Good Governance Foster Trust in Government? An Empirical Analysis. In *Governance and Regulations' Contemporary Issues* (pp. ۱۲۱-۱۳۷). Emerald Publishing Limited.
۴۸. Srivastava, V., Das, N., & Pattanayak, J. K. (۲۰۱۸). Corporate governance: mapping the change. *International Journal of Law and Management*, ۶۰(۱), ۱۹-۳۳.
۴۹. Stenzel, P. L. (۲۰۰۰). Can the ISO ۱۴۰۰۰ series environmental management standards provide a viable alternative to government regulation? *American Business Law Journal*, ۳۷(۲), ۲۳۷-۲۹۸.
۵۰. Strange, S. (۱۹۷۶). The study of transnational relations. *International Affairs (Royal Institute of International Affairs ۱۹۴۴-)*, ۵۲(۳), ۳۳۳-۳۴۵.
۵۱. Strange, S. (۱۹۹۶). *The retreat of the state: The diffusion of power in the world economy*. Cambridge university press.
۵۲. Sutherland, E. (۲۰۱۴). Corruption and internet governance. *Info*, ۱۶(۲), ۱-۱۵.
۵۳. Vogel, D. (۲۰۱۰). The private regulation of global corporate conduct: Achievements and limitations. *Business & Society*, ۴۹(۱), ۶۸-۸۷.
۵۴. Wright, C., Nyberg, D., De Cock, C., Whiteman, G., Levy, D. L., & Spicer, A. (۲۰۱۳). Contested imaginaries and the cultural political economy of climate change. *Organization*, ۲۰(۵), ۶۵۹-۶۷۸.
۵۵. Yates, J., & Murphy, C. N. (۲۰۱۵). *The role of firms in industrial standard setting: Participation, process, and balance*. Working Paper ۵۱۲۴-۱۴, Sloan School of Management, Massachusetts Institute of Technology.
۵۶. Young, I. M. (۲۰۰۱). Activist challenges to deliberative democracy. *Political Theory*, ۲۹(۵), ۶۷۰-۶۹۰.